

یادداشت

داستان‌های جنگ ویژه کودکان و نوجوانان در ترازوی نقد

روی می‌دهد ناگزیر در این داستان‌ها، هر چند به شکلی اندک و ضمنی، به جنگ، حال و هوای تأثیرات آن اشاره دارند.

نقد داستان‌های جنگ در حوزه کودک و نوجوان در فاصله سال ۵۹ به این سو در مطبوعات مختلف و کتاب‌ها به چاپ رسیده است اما هنوز این حوزه نیازمند بررسی و پژوهش‌های جدی‌تری است.

بررسی این نقدها زمینه‌ساز هرگونه مطالعه بعدی و نگارش تاریخ ادبیات دفاع مقدس کودک و نوجوان است. همچنین نقد این کتاب‌ها می‌تواند در مجلات ویژه کودک و نوجوان و برای مطالعه آنان نوشته شود. بر اساس مطالعات اینجانب در حداقل دوده‌دهه پس از جنگ ده‌ها عنوان نقد مرتبط با ادبیات جنگ برای کودکان و نوجوانان منتشر شده است که ۷۰ درصد این نقدها در سال‌های پس از پایان جنگ منتشر شده‌اند. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت جریان نقد ادبیات کودک در سال‌های پس از جنگ روبه رشد بوده است. البته جریان نقد آثار تولیدی در حوزه دفاع مقدس برای کودکان و نوجوانان در سال‌های اخیر روبه افول نهاده است.

نخستین نقدی که پس از آغاز جنگ در حوزه ادبیات کودک منتشر شد، نقد نقی سلیمانی در نشریه سوره (بچه‌های مسجد) بر کتاب «اسم من علی اصغر» نوشته مصطفی رحماندوست است. در میان منتقدان محمدرضا سرشار بیش از دیگران به نقد قصه‌های کودک و نوجوان درباره جنگ پرداخته است و در میان نشریات هم نشریه سوره (بچه‌های مسجد) بیش از سایر نشریات به این مقوله عنایت داشته است.

در میان کتاب‌های داستان جنگ کودک و نوجوان نیز آثار ترجمه از زبان‌های خارجی بیش از سایر آثار مورد توجه منتقدان بوده است.

خوب است بدانیم آشنا ساختن کودکان و نوجوانان با مفهوم جنگ از طریق نقد ادبی بسیار مورد توجه کارشناسان است. به طوری که اگر در موارد استثنایی یک داستان ویژه بزرگسال هم در مجله‌ای ویژه کودکان و نوجوانان نقد و بررسی شود، مورد توجه قرار خواهد گرفت. با این ملاحظه نقد کتاب‌های جنگی خاص گروه سنی کودک و نوجوان بایستی رونق یابد و از سطح کیفی مطلوبی برخوردار شود تا زمینه مطالعه جدی این دست آثار در میان گروه سنی کودک و نوجوان رواج بیشتری یابد.

ادبیات جنگی، به مجموعه آثاری گفته می‌شود که به مفاهیم جنگ، قیام و جنبش‌های عدالتخواهانه و ضد اشغالگری، ضد استعماری، ضد استکباری و آزادیخواهانه و حوادث، حواشی و چهره‌های مربوط به آن، ارجاع دارند.

بر این اساس داستان‌هایی با موضوع دفاع مقدس، به آن دسته از آثار ادبی اطلاق می‌شود که در یک یا چند عنصر اصلی داستانی همچون درونمایه، پیرنگ، شخصیت یا پیام به جنگ و دفاع مربوط شده باشند. دفاع ۸ ساله که با حمایت قاطع مردمی بوقوع پیوست، ابعاد مختلف زندگی ایرانیان را تحت تأثیر قرار داد و به این ترتیب با اشکال و رویکردهای گوناگون در ادبیات داستانی نوجوان نیز نمود و تجلی یافت.

این داستان‌ها، فراتر از ابعاد ادبی و هنری خویش، از آنجا که یک تحول عظیم فرهنگی اجتماعی را دستمایه خود قرار داده‌اند، دارای اهمیتی مضاعف هستند. چرا که همچون آینه‌ای دور واز سویی سند و بازتابی از یک رخداد سترگ اجتماعی و از سوی دیگر نشان‌دهنده دیدگاه، برداشت و چگونگی تعامل نویسندگان و اهالی قلم با این رویداد هستند. جنگ و دفاع مفاهیمی هستند که مصادیق آن در گستره تاریخی گسترده‌ای قابل جست و جوست. برای نمونه می‌توان تمامی آثار عدالت‌جویانه و آزادیخواهانه‌ای که به شکل تمثیلی یا با ارجاع به هر اتفاق تاریخی دیگر، انتشار یافته‌اند را در زمره ادبیات جنگی جای داد. دسته دیگر آثاری هستند که به طور مستقیم به مبارزات مردمی و گروه‌های مختلف فکری و سیاسی می‌پردازند و به تعبیری داستان آنان را روایت می‌کنند. با این توصیف ادبیات دفاع مقدس تنها به یک مقطع تاریخی منحصر نیست و می‌توان تمامی رویدادهای پس از پیروزی انقلاب، تضارب آرا و تحولات سال‌های پس از آن را نیز در تعریف ادبیات دفاع مقدس گنجانند. دسته دیگر داستان‌ها و زندگینامه‌های داستانی هستند که حول و حوش شخصیت‌های جنگی مرتبط با جنگ پدید آمده‌اند. چنین آثاری خواه ناخواه تا حد زیادی به ماجراهای جنگ پیوند خواهند خورد.

از سوی دیگر از آنجایی که درصد بالایی از آثار داستانی جنگی در فضایی رئال، اجتماعی و معاصر

شد که در کمتر جنگی تا این میزان عمیق می‌شود. معمولاً مشخصات بین دو کشور بر سر مرز، خاک، وطن و موضوع‌هایی از این دست است، اما وقتی مسأله حق و باطل می‌شود بُعد فکری و معرفتی هم پیدا می‌کند. لذا مسائل و جزئیات شعر جنگ مثل موضوع شهادت تبدیل به یک مسأله نظری می‌شود. یعنی از حیث هیجانانگیزی فردی و اجتماعی به حوزه معرفت و تفکر راه پیدا می‌کند از این حیث شعر جنگ ما اتفاقاً قابل توجه و قابل اعتناست چون پایه و ریشه‌های اعتقادی داشت.

نظران در باره سفارشی نویسی در حوزه دفاع مقدس چیست؟

من با سفارشی نویسی موافق نیستم، البته معتقدم از دل سفارش هم گاهی آثار خوبی بیرون می‌آید یا اگر طور دیگری هم به موضوع نگاه کنیم می‌بینیم که شاعر معمولاً در معرض سفارش است؛ یعنی یا از درون خودش یا از بیرون سفارش می‌گیرد. این موضوع گاهی اوقات نتیجه‌اش هیچ تفاوتی با هم نمی‌کند اگر سفارش درون شاعر با سفارش جامعه یکی باشد. یک واقعیت درباره شاعر این است که ما راجع به موضوع‌هایی شعر می‌گوییم که مطالباتش را در جامعه از طریق دیدن، شنیدن و تجربه پیدا کردن رصد کرده باشیم و احساس کنیم باید راجع به این موضوع شعری گفته شود که از نظر من بهترین سفارشات آنها هستند.

اگر بخواهیم به آثار فاخر یا شاعران شاخص ادبیات دفاع مقدس اشاره کنیم، از چه کسانی نام می‌برید؟

زمانی که مادرگیر جنگ بودیم در خصوص دفاع مقدس و جنگ چند نفر از شاعران بودند که خیلی کارهایشان طرف توجه بود که از زمره آنها می‌توان به اشعار مرحوم «سید حسن حسینی» اشاره کرد. مشق‌های او برای بسیاری از دوستان شاعر الگو بود. رباعیات و مثنوی‌هایش، با آثار سپید او درباره جنگ برای همه مرجع بود. اما شعرهای شاعران دیگری مثل «نصرالله مردانی»، «فادر طهماسبی» و «قیصر امین پور» هم در خصوص جنگ از جمله اشعار طرف توجه بود. در آغاز پیدایش جنگ هم تعدادی دیگر از شاعرانی که خارج از خط و خطوط فکری شاعران انقلاب قلم می‌زدند مثل «شمس لنگرودی» و «محمدعلی سپانلو» و خیلی دیگر از شاعران، در مورد جنگ شعرهایی دارند که ماندگار شد. از این رومی‌شود شخص خاصی را به عنوان شاخص‌ترین چهره شعر جنگ معرفی کرد چون جنگ در آثار همه شاعران منتشر شد و اگر بخواهیم یک آنتولوژی جمع کنیم شاید بتوانیم از هر شاعر چند کار خوب معرفی کنیم.

امروز جایگاه ترانه دفاع مقدس در مقایسه با سایر موضوع‌ها کجاست؟

دهه ۷۰ به بعد با باز شدن فضای موسیقی پاپ فضای شعر و ترانه‌های جنگ هم رشد کرد و رونق گرفت. من در این دوره به عرصه موسیقی نزدیک شدم و ترانه‌های «بوی سیب» و «کیبوتر» را کار کردم که جلوه‌ای نواز ادبیات دفاع مقدس و جنگ بود. این روزها گاهی اوقات به مناسبت تیتراژ سریال یا فیلم‌های داستانی و مستند شاهد تولید آثار جدیدتری در خصوص جنگ هستیم اما وقتی در فضای کلام و ترانه‌ها دقت می‌کنیم از انتخاب و به کارگیری واژه‌ها و دنگاهی که شاعر به جنگ داشته می‌توان فهمید که او قطعاً نه جنگ را دیده و نه آن را حس کرده است، البته این موضوع شاید برای نسل ما آزاردهنده باشد و ممکن است نسل جدید با این کلمات مانوس باشند و با جنگ هم نسبتی برقرار کنند. اما وقتی ما ترانه‌ای می‌شنویم که تقریباً می‌شود گفت سراینده‌اش بی‌خبر از موضوع جنگ است یا نشانه‌های آن را درست نمی‌شناسد، این نتیجه‌گیری را راجع به اومی کنیم که آن کار ارزش بالایی ندارد. با وجود این به رغم تخریبی که در خصوص میراث ملی از سوی جریان‌های سیاسی مختلف صورت گرفته من هنوز فکر می‌کنم مردم نسبت به بعضی از موضوع‌ها با احترام نگاه می‌کنند که از جمله این موضوع‌ها موضوع جنگ است.



سیدعلی کاشفی خوانساری
کارشناس ادبیات کودک و نوجوان و منتقد ادبی



عکس: سایت شبستان